

<div><div> </div></div>	س‌شنبه <p>۱۹ اسفند ۱۴۰۴</p> سال بیست‌ودوم • شمارهٔ ۵۳۴۵	<div><div> </div></div>
یادداشت		تراмп و آنچه که شد
علی صالحی		

در حالی که فضای رسانه‌های کشور در یکی، دو روز گذشته عرصه بحث‌های پر دامنه و اختلاف‌نظرهایی بر سر پیامدهای جمله‌ای بود که رئیس‌جمهوری در پیام تصویری خود بر زبان رانده و برخی با برجسته‌کردن موضوع در حال نقد و حتی توهین به یزشکیان هستند، صحبت‌های پراکنده و نامتجانس رئیس‌جمهور ایالات متحده در میان تحولات بین‌المللی، رسانه‌های جهان را درمی‌نوردد و افکار عمومی را بازی می‌دهد. به‌جرت می‌توان گفت این انقطاع مطلق از معنا و درونمایه چارچوب‌مند در سخنان حاکمان غرب مدعی تمدن و تعقل کم‌سابقه است. مدعای ابرقدرت‌های بی‌نیاز از توجیه و توضیح (که متصل به انواع ادوات انتقال داده‌های دست اول و خالص‌اند) همواره اشراف اطلاعاتی و پردازشی از پدیده‌های سراسر عالم بوده و شگفت‌ناک طبل رسوایی این تظاهر به انواع رنگارنگ نیک‌اندیشی و احاطه بر حقیقت، اکنون در سخنان سیاستمدار برگشیده آنان چنین برطنین ناخوشه می‌شود. پراکنده‌گویی‌هایی بدون کمترین احساس نیاز به اندیشیدن درباره اینکه چرا باید در سرزمینی مانند ایران «چنان شرارتی در جریان باشد که سر کودکان را جدا کنند و زنان را از میان به دو نیم درآورند»؛ آن‌هم در مقابل دوربین رسانه‌های برخط و در حضور مشاوران و وزیرانی که به نشانه تأیید سر می‌جانبند. با اینکه چرا در کشوری دودست، صاحب تمدن و متصف به سرسختی، کسی با چنین مختصات روانی‌ای می‌تواند یا اجازه می‌یابد در فرایند انتخاب مقامات دخالت مستقیم کند؟ اکتفا به برداشتی چنین کج و معوج و ناقص از هر کجای دنیا برای جنگ‌افروزی و خون‌ریزی را احتمالاً باید در عصری جست‌وجو کرد که سالیانی با مدنیت فاصله دارد. این‌گونه خلل در هرگونه اتصال به عقلانیت و مشروعیت در شرایطی رقم می‌خورد که ننگ کودک‌آزاری و انواعی از جرائم تکان‌دهنده از پرونده‌های سراسر جنایت‌ قدرتمندان و تصمیم‌گیران غربی سر برآورده و در هزارتوی رژیم‌های دادخواهی و دادگستری خود آنها در صف انتشار است. با اینکه این‌گونه استنتاج‌های توخالی در غیاب استناد به شواهد تبیین‌فراوان در رفتار قدرتمندان تاریخ تجربه نشده اما نمایش این بی‌خردی و فراغت از بینش تحقیقی را کمتر می‌توان در حلقه‌های ابتدایی این زنجیره تمامیت‌خواه و متوهم، این چنین بی‌پروا و برملا یافت؛ آن‌هم بدون کوچک‌ترین توجهی به جهان برخط کنونی و فقدان کمترین مابازیی در گستره بی‌کران تحت‌رسد از زمین تا آسمان. چنین جملاتی از والاترین مسندن متعلق به مدعیان مسلح به دانش بشری و عصاره‌ای از تجربیات زیسته غرب که قرن‌ها فخر برخورداری از عقلانیت و منطق به باقی عالم فروخته و بر آنها برچسب بربریت و جهل زده‌اند، بازنمایی‌های پرطمطراق شرق‌شناسان غربی را به ذهن‌ها متبادر می‌کند که «انسان اروپایی(غربی) در استدلال دقیق است و هرآنچه او به عنوان واقعیت بیسان می‌دارد از هرگونه ابهام بری است. به گونه‌ای طبیعی منطق‌دان است ولو که علم منطق را فراترگرفته باشد. او طبیعتی شکاک دارد و پیش از آنکه واقعیت هر بیانی را بپذیرد، دلیل و برهان طلب می‌کند»(کرومر؛ مصر مدرن، به نقل از شرق‌شناسی). بازتاب این نگرش شکاک و برهان‌طلب، در رفتار استعمارگران از روزهای تاریخ نیز بلاواسطه به کارکردی روشن انجامیده بود؛ چنان‌که برای نمونه «در قرن نوزدهم بریتانیا مدیران و کارگزاران خود را در هندوستان و دیگر مستعمرات خود در ۵۵سالگی بازنشسته می‌کرد تا هیچ شرقی‌ای فرصت نیابد که یک غربی‌را در حال پیرشدن و زوال رفتن ببیند. به همان سیاق هیچ غربی‌ای در موضعی قرار نمی‌گرفت که خود را در آینه چشم نژاد تحت‌حکامیت به هیئت جزیک حاکم پرتوان، ذی‌منطق، جوان و همواره ووشیار و گوش به زنگ مشاهده کند» (Edgar Quinet به نقل از شرق‌شناسی ادوارد سعید). باید دید این انهدام دقت نظر و بی‌پروایی از قضاوت اهل معنا در پیشانی نگرش حاکم بر این تجربه خودبرترین دیگرآزار، تا کجای تاریخ را با اکتا بر این جنون سخت‌افزاری و براساس آنچه در ذهن خود از دیگری می‌سازد به آن هجوم می‌برد نه با تکیه بر آنچه واقعا در معرض نظر و پردازش همگان است.

خبرخوان

تولد ۲۷نوزاد در خانواده مسافران جنگ

ایسنا:معاون بهداشت وزارت بهداشت با بیان اینکه ۲۷ نوزاد در چهار روز نخست جنگ در استان‌های شمالی به دنیا آمده‌اند، گفت: «این نوزادان در خانواده‌هایی که به این استان‌ها مهاجرت کرده‌اند، به دنیا آمده‌ند. علیرضا رئیس‌هیی ادامه داد: «در میان هیاهوی جنگ، مباحثی مانند مجروحان و شهدا مطرح است. همچنین صحنه‌هایی در حوزه سلامت وجود دارد که شاید سخن‌گفتن از آن، خالی از لطف نباشد.» او درباره ارائه خدمات در روزهای جنگ گفت: «تمام همکاریان حوزه بهداشت و درمان در میان هیاهوی جنگ و بمباران‌ها به ارائه مراقبت‌ها در حوزه‌های مختلف ادامه می‌دهند.» او با بیان اینکه تولد نوزادان از نشانه‌های زندگی است، افزود: «طی چهار روز نخست جنگ، ۲۷ نوزاد با سلامتی کامل مادر و نوزاد در استان‌های شمالی کشور در خانواده‌هایی که به این استان‌ها مهاجرت کرده‌اند، به دنیا آمدند.»

هدیار در باره حفظ سلامت در شرایط بحران

ایبنا: مدیر کل دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت هشدار داد: «استرس و تغییر سبک زندگی در شرایط بحران و بلایا می‌تواند باعث افزایش خطرناک قند خون و فشارخون شود و بیماران مبتلا به دیابت و فشار خون باید پایش منظم، مصرف دقیق داروها و رعایت رژیم غذایی سالم را جدی بگیرند.» جعفر جندقی، با اشاره به تأثیر شرایط بحرانی بر سلامت بیماران مزمن گفت: استرس و تغییر در سبک زندگی در زمان بحران‌ها می‌تواند باعث افزایش خطرناک قند خون و فشار خون شود. در شرایط بحران و بلایا، تغییر در الکوی خواب، تغذیه، سفر و بی‌نظمی در مصرف داروها می‌تواند موجب بی‌ثباتی قند خون و فشار خون شود. به گفته وی، این وضعیت در پزشکی به عنوان دوره‌های پرخطر «ناپایداری متابولیک و همودینامیک» شناخته می‌شود. جندقی با تأکید بر پایش منظم قند خون گفت: «بیماران دیابتی در زمان تغییر برنامه روزانه یا سفر باید دفعات اندازه‌گیری قند خون را افزایش دهند و در صورت تغییر رژیم غذایی با فعالیت بدنی، قند خون دو ساعت پس از غذا را نیز بررسی کنند. اگر قند خون ناشتا بیش از ۲۵۰ یا کمتر از ۷۰ میلی‌گرم در دسی‌لیتر باشد، مراجعه و مشورت با پزشک ضروری است.» مدیر کل دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت بر مصرف منظم داروها و انسولین تأکید کرد و افزود: «بیماران باید داروهای خود را حتی در سفر همراه داشته باشند و برنامه زمانی مصرف دارو را حفظ کنند. همچنین نگهداری انسولین در دمای مناسب و حذف‌نکردن وعده‌های غذایی از نکات مهم در مدیریت دیابت است.» او در ادامه درباره فشار خون بالا نیز گفت: «مصرف روزانه نمک باید کمتر از پنج گرم باشد و بیماران از مصرف غذاهای شور مانند کنسروها، خیارشور و پیپس پرهیز کنند. استغنا از فشارسنج دیجیتال بارویی برای پایش فشارخون در منزل و سفر نیز توصیه می‌شود.» به گفته جندقی، حد مطلوب فشارخون در اغلب بیماران کمتر از ۱۴۰ روی ۹۰ میلی‌متر جیوه و در مبتلایان به دیابت کمتر از ۱۳۰ روی ۸۰ میلی‌متر جیوه است. فشارخون ۱۸۰ روی ۱۱۰ بالاتر نیازمند مراجعه فوری به پزشک و فشارخون ۲۰۰ روی ۱۲۰ یا بیشتر نیازمند تماس فوری با اورژانس است.

گزارش میدانی «شرق» از خیابان «دردشت» نارمک بعد از انفجار

زیر بمباران مداوم

«از روز انفجار در حال آواربرداری هستند تا جنازه پیدا کنند. می‌گویند چند نفر مفقود شده‌اند که موقع انفجار از ساختمان مورد حمله، به خانه‌های مسکونی پرتاب شدند»



سیمین‌نورانی

میلیون تومان باشد. مثلاً فکر می‌کردم نهایتاً ۲۰ میلیون تومان بتوانم شیشه مغازه را نصب کنم، ولی یگویی کردم دیدم تازه از ۴۰ میلیون تومان شروع می‌شود». جوان دیگری که آن هم از مغازه‌دارهای همین راسته از خیابان است، توضیح می‌دهد: «از شهرداری آمدند و از خسارت‌های وارده‌شده عکس گرفتند. اصلاً معلوم نیست پول بدهند یا نه، اصلاً چه زمان پرداخت کنند. آن طرف خیابان دو ساختمان از جنگ ۱۲روزه تخریب شد و هنوز بعد از چند ماه حتی یک آجرش را هم درست نکردند». شیشه‌های شکسته پنجره‌ها تا چند خیابان پایین‌تر دیده می‌شود؛ از آموزشگاه نقاشی و موسیقی که پنجره‌هایش را با پارچه‌ای پوشانده‌اند، تا خانه‌هایی که حتی دیگر دیوار سالمی برای‌شان نمانده. همه اینها نمای این روزهای خیابان «دردشت» است؛ خیابانی که یکی از مکان‌های پررونق این منطقه به حساب می‌آمد و حالا همین تعداد اندک رهگذر هم با ترس از آن عبور می‌کنند.

صدایشت صدا

اهالی این منطقه به صداهای انفجار و حمله‌های نیمه‌شب عادت کرده‌اند. این حملات را با خنده‌ای تلخ می‌گویند. از جنگ ۱۲روزه تا الان بارها محله نارمک مورد حمله قرار گرفته است. چند روز قبل هم میدان ۷۲ و ۶۲ موشک‌باران شد، رسانه‌ها اعلام کردند پرتابه میدان ۶۲ عمل نکرد و به‌سرعت آن را از محل دور کردند. با این حال بیشتر ساکنان این میدان‌ها برای حفاظت از جان‌شان خانه‌ها را ترک کردند. از انفجار در میدان ۷۲، فقط یک زمین خالی باقی مانده؛ جایی که قبلاً محل قرارگرفتن خانه‌ای ویلایی بود. کنار همین خانه مدرسه‌ای دخترانه دیده می‌شود که تمام شیشه‌های پنجره‌اش شکسته و میدانی که در همسایگی‌اش است، در سکوت کامل فرورفته. اهالی محل توضیح می‌دهند که نارمک به صداهای سنگین انفجار عادت کرده است. پیرمرد که به سختی قدم می‌زند، می‌گوید: «تمام طول روز صدا می‌شنویم، چون شرق تهران حملات بیشتر است. چند منطقه از نارمک با جنگ قبلی از این رفته و هنوز هم به همان شکل مانده. با این حال هر شب به همسرم می‌گویم احتمالاً از فردا شب صداها کمتر شود ولی باز صدا پشت صدا. فقط امیدوارم این جنگ ادامه‌دار نشود.»

در همان لحظه و پس از پایان صحبت‌های پیرمرد، دو جوان از ساختمانی در خیابان «دردشت» بیرون می‌آیند، صدای انفجار از جایی دور به گوش می‌رسد و مردم برای لحظه‌ای در خیابان قدم‌های تندیتری برمی‌دارند. مردان جوانی همان لحظه به نفر دیگری که به زیر ساختمانی پناه می‌برد، نگاه می‌کنند و می‌خندند: «داداش هیچ‌جا امن نیست، خیالت راحت. امکان دارد هر کجا حمله شود یا ساختمان مهمی باشد که ما ندانیم و زیر همان پناه گرفته باشیم». هر دو سوار موتورهای خود می‌شوند و یکی از آنها به مردی که زیر ساختمانی ایستاده، می‌گوید: «فقط باید دعا کنیم این جنگ زودتر تمام شود. من که با شنیدن صدای هر حمله و انفجار ایمان دارم بخشی از آرزو و امیدهایم را از دست می‌دهم». صدای گاز موتورشان در خیابان می‌پیچید و آنها دور می‌شوند. روی آسفالتی که هنوز از انفجار روزهای قبل خاکی است، رد چرخ موتورهای‌شان می‌ماند.

نسترن فرخه: «همه آدم‌هایی که چهارشنبه حدود ساعت سه ظهر از اطراف کوچه اولیایی رد می‌شدند، کشته شدند. بعضی از آنها پیاده بودند و بعضی دیگر در ماشین. مثل روزهای دیگر که این خیابان شلوغ و پررفت‌وآمد بود و کسی نمی‌دانست قرار است چه اتفاقی رخ دهد». این را جوانی تعریف می‌کند که چهارشنبه شاهد همه چیز در این خیابان بوده است: روزی که حملات به ساختمان اداری پنج‌طبقه «رستمی‌کیا»، باعث تخریب خانه‌های کناری و کشته‌شدن بسیاری از مردمی شد که در آن همسایگی بودند یا از آنجا رد می‌شدند. حالا «دردشت»، خیابانی در محله نارمک، دیگر شبیه به قبل نیست؛ خیابانی شلوغ که تمام طول روز مغازه‌ها باز بود و رفت‌وآمد مردم در آن جریان داشت و این روزها سهم ساکنانش سکوتی است که شاید تا مدت‌ها ادامه داشته باشد.

خانه‌ام ویران شد

از پنجره‌های این حوالی چیزی نمانده است، جز قاب‌های بدون حفاظ و شیشه‌که کار را برای هر سارق‌ی آسان می‌کند؛ هرچند وسایل بیشتر این خانه‌ها همراه با انفجار از بین رفته و چیزی از آنها باقی نمانده است. انفجار ساختمان پنج‌طبقه «رستمی‌کیا» در کوچه اولیایی تمام ساختمان‌های اطراف خیابان دردشت را هم تخریب کرده است. اهالی می‌گویند اینجا یکی از ساختمان‌های سپاه بود که مورد حمله قرار گرفته و حالا چشم هر رهگذری به خانه‌های تخریب‌شده خیره می‌شود؛ ساختمانی پنج‌طبقه که زیر آن فروشگاه هفت و نمایشگاه ماشینی بود که همه با انفجار طبقات بالایی، تخریب شده است. از فروشگاه چند قفسه شکسته مانده و خانه‌های اطراف هم با پرتابه‌های زمان انفجار و موجی که ایجاد کرده بود، همه تخریب شده است. آن طرف خیابان، تخریب دیوار و پنجره‌های فروشگاه کوروش و بانک صادرات باعث تعطیلی آنها شده است. دیگر ساختمان‌های مسکونی هم به دلیل شدت تخریب همه خالی از سکنه شده‌اند.

ساختمان «رستمی‌کیا» نیش خیابان بود و با انفجار رخ‌داده، ساختمان‌های روبه‌رویی و کناری از تخریب در امان نماندند. کنار این ساختمان چند زن و مرد ایستاده‌اند. دختری جوان جعبه‌ای قهوه‌ای‌رنگ بغل گرفته و با بهت، اشک روی صورتش را پاک می‌کند؛ «خانه ما تخریب شد، دیگر خانه نداریم. اتاقم، وسایل اتاقم، همه از بین رفت. برای عید همه خانه را تمیز کرده بودیم». مادرش اما گریه خیال نمی‌کند، با صورتی رنگ‌پریده جلوی در ساختمان ایستاده تا همراه چند مأمور وارد ساختمان شوند و وسایل ضروری را از خانه بردارند: «ساختمان دیگر استحکام ندارد و نباید آنجا بمانیم؛ هرچند اصلاً خانه‌ای نمانده است. به ما گفتند باید به هتل برویم، ولی تا چه مدت آنجا زندگی کنیم؟ زندگی‌ام خراب شد». او از روز موشک‌باران می‌گوید: «صدای خیلی شدیدی آمد و بعد تخریب و گردوخاک شروع شد. شبیه به خواب بود؛ یک خواب بد که کاش از آن بیدار می‌شدیم». کارگران در حال آواربرداری هستند. این زن میان‌سال خراب‌پوش توضیح می‌دهد: «از روز انفجار در حال آواربرداری هستند تا جنازه پیدا کنند. می‌گویند چند نفر مفقود شده‌اند که موقع انفجار از ساختمان رستمی‌کیا به سمت ساختمان ما پرتاب شدند. در ساختمان فقط ما خانه بودیم، بقیه همسایه‌ها از تهران رفته بودند. مأموران امداد که رسیدند، در همه خانه‌ها را شکستند و وارد خانه همسایه‌ها شدند. می‌ترسیدند کسی در واحدا باشد و برای همین همه اتاق‌های همسایه‌ها را هم گشتمند». همان موقع چند ماشین وارد کوچه می‌شود؛ مردانی از اقوام همین خانواده تا آنها را با خود ببرند.

زنی سالخورده میان جمعیت ایستاده و به دلیل گردوخاک این منطقه، گوشه چادرش را روی دهان و بینی‌اش گرفته؛ خانه آنها چند کوچه پایین‌تر است و در این چند روز بارها جلوی این ساختمان تخریب‌شده آمده تا با ساکنان همدردی کند؛ هرچند بیشتر آنها به اجبار خانه‌ها را ترک کرده‌اند: «چهارشنبه حدود ساعت سه بعدازظهر بود که از شنیدن صدای انفجار، کل خانه ما را خاک گرفت. تا چند دقیقه چشم، چشم را نمی‌دید، فکر کردم خانه ما تخریب شده. کمی آن‌قدر که صدا نزدیک بود، کدمی که گذشت با پسرم از خانه بیرون آمدم. خیابان دردشت پر از خاک و خون شده بود. ماشین‌های رهگذر زیر آوار مانده بودند. فکر کنم سرنشین‌های‌شان همه کشته شدند و مغازه‌ها آسیب دیدند. جنتم شده بود.»

تمام رهگذران کشته شدند

روبه‌روی ساختمان «رستمی‌کیا» ساختمان دیگری است که در جنگ ۱۲روزه مورد حمله قرار گرفته بود؛ ساختمانی که از آن فقط چند دیوار مانده و نوار زردی هنوز دور این خانه دیده می‌شود. در این بخش از خیابان دردشت هیچ مغازه‌ای باز نیست، جز سیکارفروشی که شاگرد مغازه‌اش روز انفجار چهار موح‌گرفتگی شده است؛ «من برای خرید از مغازه بیرون رفتم که چند دقیقه بعد این اتفاق افتاد. وقتی برگشتم، تمام اجناس مغازه وسط خیابان ریخته بود. سقف مغازه و بخشی از اجناس آنبار آسیب دیده است. می‌دانم بیشتر مغازه‌دارهای این راسته میلیاریتی خسارت دیده‌اند، ولی ما شاید ۲۰۰ میلیون تومان. البته همین هم حدودی است، چون حتماً جیران خسارت آن هزینه بیشتری خواهد داشت.»

طرف دیگر خیابان همه مغازه‌ها با کرکره‌های کج‌ومعوج یا گونی آبی بسته هستند؛ مغازه‌هایی که تخریب ساختمان‌های بالای آنها احتمال فروریختن‌شان را بیشتر می‌کند؛ از فروشگاه خدمات کامپیوتری و لوازم‌التحریری، تا کله‌پزی نمونه و گل‌فروشی کنار آن که حالا تمام گل‌هایش خشک شده و چیزی از آن باقی نمانده. در این پیاده‌راه چند مغازه و آموزشگاه دیگر هم تخریب شده است. مثل مغازه آقای سامانی، جوانی که طرف‌یک بار مصرف، عطر و لوازم پلاستیکی می‌فروخت. شیشه‌های مغازه خرد شده و اجناسش را بدون هیچ نظمی از کف زمین داخل جعبه‌های بزرگ ریخته و گوشه‌ای روی هم گذاشته است: «از آن روز فقط خاک و خون به یاد دارم. جسد و بدن‌های تکه‌تکه‌شده از بالای ساختمان به خیابان پرتاب می‌شد. هر رهگذر پیاده و ماشینی که از این پیاده‌راه رد می‌شد، آن روز کشته شد. تا چند ساعت همه خیابان گردوخاک بود. شیشه همه مغازه‌ها خرد شد و ما را موح گرفت. قیامتی بود که فقط در فیلم‌ها دیده بودیم». به وسعت خیابان اشاره می‌کند: «قیقاً همین‌جا پرآید سفیدی در حرکت بود که آوار ساختمانی روی این ریخت و همه آدم‌های داخل ماشین کشته شدند». به دلیل فشار روانی آن لحظات، اتفاقات را به‌سختی مرور می‌کند: «همان روز بار جدید عطرهایم رسیده بود. برای هر عطر چند میلیون تومان پرداخت کرده بودم. بار عیدم بود که همه شکست و کل ویرتیرم از بین رفت. تا الان بررسی نکردم که چند میلیون تومان به مغازه خسارت وارد شده، ولی فکر کنم بیش از ۲۰۰

مدرک گواهینامه موقت اینجانب ارژنگ کطعاویان فرزند جلیل به شماره شناسنامه ۰۰۱۵۶۲۲۹۰۰۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته رشته زبان و ادبیات انگلیسی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره۰۴۰۱/۱۰۱/۴۰۱-۴۰۱/۳۷۸۱۲-۱۰۶۰۰۳۲۸۱۲ و تاریخ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ مفقود گردیده است، از یابنده تقاضا میگردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: تهران-سوهانک-بلوار ارتش-میدان قائم-خیابان خندان-خیابان سلماس تحویل دهد.

از جامعه

شکایت‌به‌زیستی

به‌سازمان‌های‌بین‌المللی

رئیس سازمان بهزیستی کشور از شکایت بهزیستی به سازمان‌های بین‌المللی به دلیل آسیب به کودکان و معلولان ناشی از جنگ تحمیلی خبر داد و گفت: «این سازمان در حال طرح شکایت رسمی از آسیب‌های ناشی از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به گروه‌های تحت پوشش خود ازجمله کودکان و افراد دارای معلولیت در نهاد‌های بین‌المللی است». جواد حسینی در جلسه استمرار خدمات به جامعه هدف افزود: «سازمان بهزیستی متولی حمایت از حقوق زنان سرپرست خانوار، کودکان، افراد دارای معلولیت و همچنین کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست است، ما همچنین از خانواده‌هایی حمایت می‌کنیم که دارای فرزندان چندقلو هستند». او گفت: «در حال حاضر بیش از ۴۲هزارو ۴۱ خانوار دارای فرزند چندقلو تحت پوشش قرار دارند، همچنین ۱۷هزارو ۹۴۰ کودک از خدمات امدادی بهره‌مند هستند و حدود ۱۰ هزار کودک و نوجوان در ۷۰۰ مرکز شبه‌خانواده نگهداری و توانبخشی می‌شوند». او به دیگر مراکز حمایتی اشاره کرد و گفت: «تعداد زیادی از افراد در خانه‌های امن، خانه‌های سلامت و خانه‌های تلاش که نزدیک به صد مرکز هستند، تحت حمایت قرار دارند. علاوه بر این، مراکز مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و اعتبارات شامل مراکز تی‌سی(TC)،کم‌های ماده ۱۵ و ۱۶، مراکز توانمندسازی و صیانت و نزدیک به سه‌هزارو ۵۰۰ مرکز توانبخشی وجود دارد، تعداد درخ‌ور توجه دیگری نیز از خدمات ویژه در منزل، مراقبت در منزل و مراکز روزانه استفاده می‌کنند.» او تأکید کرد: «حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکا این گروه‌ها را نیز در معرض آسیب قرار داده و مسئولیت این آسیب‌ها بر عهده آغازگران جنگی بدون منطق است، سازمان بهزیستی وظیفه دارد به این افراد رسیدگی کند، اما یکی از مسئولیت‌های ما یگیری آسیب‌های ناشی از جنگ به‌ویژه بر کودکان و افراد دارای معلولیت در مجامع بین‌المللی است. ما در حال طرح شکایت از این موارد در سازمان‌هایی مانند یونیسف و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت که ۵۰ ماده دارد و بخش مهمی از آن به حقوق معلولان در شرایط مخاطرات، جنگ و بحران‌ها اختصاص یافته و سازمان بین‌المللی کار (ILO) هستیم. این یگیری‌ها از مجامع بین‌المللی در حال انجام است.»

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۳۸۲ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۴،۱۲،۰۴) نوبت دوم: (۱۴۰۴،۱۲،۱۹)

- تقاضای «حمید نیکومنش» فرزند «درویش علی» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» بمساحت «۷۷۷،۳۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۲» فرعی از «۸۲» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نورعلی روشن دل»
- تقاضای «غلامرضا مرادی» فرزند «حسین» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» بمساحت «۲۷۹،۵۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳» فرعی از «۳۴۴۶» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعباس زارعی و ورثه وی»
- تقاضای «علی گودرزی» فرزند «غلامرضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۸۳۸،۹۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۳» فرعی از «۳۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامرضا گودرزی فرزند محمدحسین»
- تقاضای «سید کاظم میراسمعیلی» فرزند «سیدحسین» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» بمساحت «۱۲۶،۶۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۱۶» فرعی از «۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین گودرزی فرزند میرزاحسن»
- تقاضای «صادق پیام فر» فرزند «قاسم» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان مسکونی» بمساحت «۷۸،۰۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۶» فرعی از «۴۸۲» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خانم سلطان کزازی»
- تقاضای «خانجان گودرزی» فرزند «حسین» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۹۶۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹۷۷» فرعی از «۷۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی حسین گودرزی فرزندمحمدحسین»
- تقاضای «اردشیر صابری» فرزند «علی مراد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۵۴،۱۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۶» فرعی از «۸۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی صابری و علیرضا و میرزا صابری فرزندان رضا»
- تقاضای «رضا گودرزی» فرزند «هاشم» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۹۵۳،۱۶۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۶۲» فرعی از «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین گودرزی فرزند احمد»
- تقاضای «احمد گودرزی» فرزند «علیرضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۲۳۶،۸۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۷۶» فرعی از «۷۱» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی موسیوند فرزندخیراله»
- تقاضای «آیت اله معظمی گودرزی» فرزند «محمود» نسبت به «سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان دکان»سوسن زراسوند فرزندمحمدحسین نسبت به سه دانگ مشاع ازشش‌دانگ یکباب ساختمان دکان بمساحت «۱۲،۲۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۹» فرعی از «۲۰۶۶» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «آیت اله معظمی گودرزی فرزندمحمود-حبیب اله معظمی گودرزی»

شناسه:۲۱۲۱۹۹۰

محمد آجرو

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد ۷۴۸۱